

بررسی عملکرد مدیریت شهری بر پایداری و سرزندگی در مناطق شهری: (مطالعه موردی: شهر ارومیه)

رضا داداش‌پور

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

حسن احمدزاده^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

رضا ولیزاده

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷

چکیده

پایداری شهری و سرزندگی شهروندان، از مهمترین راهکارهایی است که مدیریت شهر برای نیل به توسعه پایدار شهری و در جهت ارتقا اقتصادی و اجتماعی محلات باید در نظر بگیرد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی عملکرد مدیریت شهری بر پایداری و سرزندگی در مناطق شهری در شهر ارومیه است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی کارشناسان، مدیران شهری و اساتید دانشگاه که در زمینه توسعه شهری، برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری مشغول به فعالیت در شهر ارومیه هستند، می‌باشد. ۱۰۰ نفر از افراد مذکور به صورت تصادفی انتخاب و اطلاعات لازمه با استفاده از ابزار تحقیق جمع‌آوری شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ای است که روایی آن به صورت محتوایی (صوری) و سازه‌ای و پایایی آن با استفاده از پایایی ترکیبی مورد تأیید قرار گرفته است. تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل همبستگی و الگویابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS انجام شده است. مدل ارزیابی شده در پژوهش از شاخص‌های برازندگی قابل قبولی برخوردار بود. مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد، عامل زیست‌محیطی ($t = 3/75$ ، $\gamma = 0/319$)، عامل کالبدی ($t = 3/09$ ، $\gamma = 0/243$) دارای بیشترین تأثیر بر سرزندگی شهری در شهر ارومیه هستند. همچنین، مدیریت عملکرد شهری دارای بیشترین تأثیر بر عوامل کالبدی ($t = 4/81$ ، $\gamma = 0/431$) و زیست‌محیطی ($t = 0/423$ ، $\gamma = 0/423$)، بود. ($t = 4/71$)

کلیدواژه‌گان: مدیریت شهری، سرزندگی شهری، توسعه پایدار شهری، ارومیه، Smart PLS.

مقدمه

مدیریت شهری یعنی برنامه‌ریزی کنترل شده برای دستیابی به کارآمدی و برابری توسعه شهری. مدیریت شهری تنها مدیریت تأسیسات و سازمان‌های شهری نیست، بلکه مدیریت فرآیند شهرنشینی، توسعه شهری و انجام امور شهری است به گونه‌ای که تأسیسات شهری باهم هماهنگ کار کنند تا کارآمدی واحدهای فضایی شهر (شهر پویا) در سطوح مختلف نظام و بخش‌های شهری به روش دلخواه و در جهت توسعه پایدار حفظ شود (مرادی مکرری و حیدری‌کیا، ۱۳۹۷: ۱۰۰). مدیریت شهری روند توسعه، اجرا، هماهنگ‌سازی و ارزیابی راهبردی یکپارچه است که با کمک کنش‌گران شهری و با در نظر گرفتن اهداف بخش خصوصی و منافع شهروندان در چارچوب سیاسی اجرا می‌شود که در سطح عالی دولت برای دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار مشخص شده است (Dijk and Pieter, 2006: 39). ویلیامز مدیریت شهری را یک تئوری و چشم انداز نمی‌داند، بلکه آن را چارچوب و پایه و اساس مطالعات شهر می‌داند. او اضافه می‌کند که مدیریت شهری ارتباط قوی و تنگاتنگ با ماهیت شهر از یک طرف و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر دارد، همچنین مدیریت شهری با سازمان‌های دولتی که در شهر خدمات ارائه می‌دهند و مردم شهر ارتباط تنگاتنگی دارد (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲). همچنین، ویلیز^۱ اعتقاد دارد مدیران شهری و مدیران محلی عهده‌دار انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد ارزش‌های اجتماع شهری (محلی) در اتخاذ تصمیماتی است که مستقیماً پایداری شهرها را از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین بهترین نقطه شروع حرکت به سوی پایداری محسوب می‌گردند. یقیناً تمام حاکمان عمیقاً به ارزش دموکراسی محلی آگاهی و باور دارند. دموکراسی محلی در دستیابی به پایداری در شهرها نقشی مهم ایفا می‌کند (Willis, 2006: 13).

عناصر اصلی توسعه شهر پایدار افزایش منابع اجتماعی، به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی، کارآمدی استفاده از فضاهای شهری از طریق بسیج شهروندان و مسئولین است. یک شهر پایدار با در نظر گرفتن توان زیست محیطی، به نیاز اقتصادی - اجتماعی ساکنانش پاسخ می‌دهد. نمود توسعه پایدار شهری در این است که همه مردم و ساکنین آن از همه گروه‌ها، از حقوق و امکانات برابر استفاده نموده و همچنین مسوولیت فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که بر محیط زندگی‌شان تاثیر می‌گذارد، را بپذیرند (Rafieian et al., 2008: 118). به این ترتیب وجود و تحقق معیارهایی نظیر هویت، سرزندگی، پویایی، تامین تجهیزات و خدمات، تنوع و دسترسی مناسب می‌تواند از ضرورت‌های یک شهر و یا محله‌ای از یک شهر پایدار باشد (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۹). تعاریف مختلفی از سرزندگی در فضاهای شهری آمده است که هرکدام معیارهای کالبدی مختلفی را برای سنجش این ویژگی در اختیار طراحان منظر و محیط قرار می‌دهند، ولی آنچه اهمیت دارد، تأثیری است که یک فضای شهری از منظر روانشناختی بر شهروندان گذاشته و آنان را به انجام فعالیت‌های مفید از جمله پیاده‌روی در مسیرها تشویق نموده و همچنین امکان انجام فعالیت‌های اقلشار مختلف را در کمال امنیت فیزیکی و روانی فراهم می‌آورد (میکائیلی هاجه‌سو و آذر، ۱۳۹۶: ۲۷۰). متأسفانه امروزه شهرها علی‌الخصوص در شهرهای کشورهای جهان سوم همچون ایران نه بر پایه هویت اصیل خود بلکه بر پایه بی-نظمی، بی‌منطقی، یکنواختی و استفاده بدون اندیشه از الگوهای مدرن، بدون توجه به الگوهای بومی در حال شکل-

¹ Willis

گیری و گسترش‌اند (خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹: ۶۴)، و این عامل سبب شده فضاهای شهری نامنظم و بی-هدف و بی‌روح به‌وجود آیند در نتیجه بر روی کیفیت زندگی افراد حاضر در آن تاثیر نامساعد بگذارد. توجه به مبحث سرزندگی شهری عملاً مستلزم آن است که امر "کیفیت"، که معمولاً به واسطه سیطره و هیاهوی مسایل "کمی" به حاشیه رانده شده است، مجدداً به دغدغه اصلی و هدف نخست تمامی برنامه‌ریزان و مدیران شهری بدل شود.

در سال ۱۳۳۰ مساحت شهر ارومیه ۳۰۰ هکتار بود که با رشد ۵/۰۶ درصدی در سال ۱۳۳۵ به ۳۸۵ هکتار رسید. این روند رشد در سال ۱۳۹۰، به مرز ۹۳۲۰ هکتار رسید و این روند رشد ادامه داشته و در سال ۱۳۹۵ به مرز حدود ۱۰۳۰۰ هکتار رسیده است. لازم به توضیح است که این روند رشد در زمینه جمعیت شهر ارومیه نیز صادق بوده به طوری که جمعیت شهر ارومیه در سال ۱۳۳۵ برابر با ۶۷۶۵۰ نفر بوده که این مقدار در سال ۱۳۷۰ برابر با ۳۵۷۳۹۹ نفر و در سال ۱۳۹۰ به مرز ۶۶۷۴۹۹ نفر رسیده و در آخرین آمارگیری نفوس و مسکن کشور (۱۳۹۵) جمعیت شهر ارومیه برابر با ۱۰۴۰۵۶۵ نفر است. به عبارتی در طول شصت سال جمعیت شهر بیش از ده برابر گردیده که این مورد نشان از روند رو به رشد و جمعیت پذیری این شهر در طی سال‌های متمادی است. در جهت تأمین فضای مناسب برای این افزایش جمعیت، به ناچار در طول سالیان برنامه‌ریزان و مسئولین شهری دست به تأسیس محلات جدید یا مجتمع‌های مسکونی جدید در دل محلات قدیمی و همچنین ایجاد شهرک‌های جدید در اطراف و حومه شهر زده‌اند. از طرفی، باتوجه به اینکه برخی از محلات به دلیل قطبی شدن شهر و عدم توجه به برنامه‌ریزی مناسب با کاهش جمعیت‌پذیری و برخی بالعکس با برخورداری از سرزندگی جمعیت‌پذیر شده‌اند. همچنین، از آنجا که ضعف سرزندگی محلات می‌تواند در افزایش مهاجرت‌های درون شهری موثر باشد و باعث می‌شود که محلات از نظر اجتماعی، کالبدی و اقتصادی فرسوده شوند. بنابراین یکی از مهمترین راه‌حلهایی که مدیریت شهر برای نیل به توسعه پایدار شهری و در جهت ارتقا اقتصادی و اجتماعی محلات در نظر گیرد، توجه به بحث پایداری شهری و سرزندگی شهروندان می‌باشد. بنابراین، براساس موارد گفته شده می‌توان گفت هدف اصلی این مطالعه ارزیابی عملکرد مدیریت شهری بر پایداری و سرزندگی در مناطق شهری ارومیه خواهد بود و در این راستا، سعی خواهد شد به سوال اصلی مطالعه یعنی "وضعیت شاخص‌های پایداری شهری و سرزندگی در شهر ارومیه چه ارتباطی با عملکرد مدیریت شهری دارند؟" پاسخ داده شود.

مبانی نظری

مدیریت شهری

مدیریت شهری مجموعه‌ای از ابزارها، فعالیت‌ها، وظایف، و کارکردهایی است که به اطمینان می‌دهد تا کارکردهای شهری بتوانند شکل بگیرند. مدیریت شهری اطمینان می‌دهد که خدمات اساسی شهر برای گروه‌ها، افراد مختلف، اجتماعات محلی و عمومی به شیوه مناسب شکل گیرد (Acioly, 2003: 1). مدیریت شهری را می‌توان به مانند یک درخت تشبیه کرد که ترکیبی از اجزاء و قسمت‌های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته‌اند و روابط متقابل میان آنها به شکل خاصی نظام یافته است (دویران و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵). روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی،

اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد. مدیریت شهری به تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به صورت رسمی یا غیررسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار هستند (پرهیزگار و فیروزبخت، ۱۳۹۰: ۴۴). مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۴۹). همچنین، از اهداف دیگر مدیریت شهری می‌توان به مواردی مانند؛ ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه‌های کم-درآمد؛ تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی اشاره نمود (خلیل‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹). شهرداری و شورای اسلامی شهر دو رکن اصلی مدیریت شهری در ایران می‌باشند. بجز این دو که وظیفه اصلی و قانونی آنها سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تمشیت امور شهر می‌باشد، نهادهای دیگر وجود دارند که در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی عمل نموده و وظایف و عملکرد آنها در ارتباط با شهر و مدیریت شهری می‌باشد و لزوماً به هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای شهر و حتی اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها باید به برنامه‌ها، طرح‌ها و حوزه عملکرد این نهادها توجه داشت (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۳). وظایف مدیریت شهری در ایران را می‌توان شامل مواردی از قبیل آماده‌سازی زیرساخت‌های اساسی برای عملکرد کارآمد شهرها؛ آماده‌سازی خدمات لازم برای توسعه منابع انسانی، بهبود بهره‌وری و بهبود استانداردهای زندگی شهری؛ تنظیم فعالیت‌های تاثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت؛ سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری و آماده ساختن خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت‌های مولد و عملیات کارآمد موسسه‌های خصوصی در نواحی شهری (خلیل‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار شهری، فرآیندی پویا و بی‌وقفه در پاسخ به تغییر فشارهای اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی است (Houghton & Graham, 1994: 27)، و این فرآیند اهمیت به‌سزایی در دل مفهوم توسعه پایدار داشته است (Xing et al., 2009: 209) و اندازه‌گیری کمی و نمایش فضایی آن موضوعی مهم در برنامه‌ریزی شهری است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۷). نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار شهری موضوع‌های جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه-ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. همچنین راه رسیدن به این اهداف را با برنامه‌ریزی‌های شهری، روستایی، ناحیه‌ای، ملی که برابر با قانون کنترل بیشتر در شهر و روستاست می‌داند. این نظریه به مثابه دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت‌ها باید از محیط زیست شهری همه جانبه حمایت کنند (بدیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹).

توسعه‌ی پایدار شهری شکلی از توسعه‌ی امروزی که توان توسعه‌ی مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند، است و در این نوع توسعه ملاحظات سه گانه، محیطی، اقتصادی و اجتماعی در کنار هم لحاظ خواهد شد. مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار انسان، کودکان و جوانان، محیط‌زیست، زنان، فرهنگ، آموزش، علم، اخلاق، امنیت، مشارکت و حکمرانی محلی مطلوب ذکر شده است (فروغیان، ۱۳۸۸: ۴۱). به همین ترتیب، مشخصات کلیدی پایداری شهری: برابری بین نسل‌ها، برابری درون نسل‌ها حفاظت از محیط طبیعی، استفاده‌ی حداقل از منابع تجدیدنشدنی، بقای اقتصادی و تنوع، جامعه خود اتکا، رفاه فردی و رفع نیازهای اساسی افراد جامعه عنوان شده

است (کابلی فرشچی، ۱۳۹۲: ۲). اهداف توسعه‌ی پایدار شهری، ایجاد یک شهر سالم، مردم‌وار با منابع غنی و برآورده کردن نیازهای فعلی، توجه به نیازهای اجتماعی فرهنگی و بهداشتی، توجه به نیازهای اساسی و به مخاطره نیانداختن توانایی نسل آینده در برآورده کردن نیازهایشان، ذکر شده است (نظم‌فر و پیروزی، ۱۳۸۸: ۵). مهم‌ترین عوامل در رسیدن به توسعه‌ی پایدار عبارتند از: الف) نیاز به تغییر نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید؛ ب) اولویت دادن به سرمایه‌ی انسانی به ویژه زنان و جوانان در جهت پایداری توسعه؛ ج) نقش رهبری در به دوش کشیدن و بالا بردن تلاش توسعه‌ای از بالا؛ د) نقش سازمان‌های مدنی اجتماعی برای پیش‌راندن توسعه از پایین به بالا؛ ه) اهمیت حقوق بشر و مفهوم و هدف گسترده‌ی آن؛ ر) آمیختن توسعه با ساختار اجتماعی و فرهنگی و ز) ارتباط درونی میان پایداری توسعه و اعتماد به نفس (صدادتی و فارسی، ۱۳۹۵: ۲۳۴).

امروزه در بسیاری از شهرهای جهان مسائل ضروری مانند ترافیک، تراکم زمین، ساختمان‌های متروک، تغییر کاربری زمین، آلودگی صوتی، آلودگی آب، بیکاری، مهاجرت، کمبود درآمد، عدم مشارکت مردم در بسیاری از موضوعات دیگر، موضوع پایداری شهرها مطرح می‌سازند؛ لذا، امروزه با توجه به مسائل و مشکلاتی که شهرها دارند، بایستی به ابعاد و اصول توسعه پایداری شهری توجه نمود. یک شهر پایدار و توسعه یافته شهری است که از منابع طبیعی و انسانی منطقه خود بهره‌برداری کرده و خودکفا باشد و شهری که زندگی ساکنینش معنی ببخشد. هدف فرآیند توسعه شهری پایدار، دستیابی به وضعیت پایداری جوامع شهری می‌باشد، فرآیندی که هدف آن ایجاد یا تقویت ویژگی‌های پایداری در زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی شهر است (صمیمی، ۱۳۸۹: ۹۳). امروزه باتوجه به اینکه شهرها محل تجمع انسان‌ها بوده و این افراد دارای تأثیر زیادی بر کل اقتصاد ملی هر کشور دارند، لذا باید به مسائل و مشکلات آنها توجه بیشتر و دقیق‌تر کرد؛ زیرا در حالتی که برنامه‌ریزی دقیق و درست، سبب رشد اقتصادی، تثبیت سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهرها می‌گردد، شکست در رفع مشکلات و مسائل شهری نیز سبب رکود اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی، فقر، بیکاری و تخریب محیط‌زیست خواهد شد (سعیدرضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵). در این میان، یکی از مهمترین نقش‌ها بر عهده مدیریت شهری است و باید باتوجه به وظایف محوله که عبارتند از: الف) مدیریت و بهبود سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی؛ ب) ارائه و توزیع خدمات اجتماعی؛ ج) ارتقای رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم و د) برنامه‌ریزی استراتژیک که مشکلات را رفع کند و منجر به توسعه‌ای که در آن اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی در پیوند با هم قرار بگیرند، شود (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

سرزندگی شهری

سرزندگی در مفهوم کلی به خودکفایی، پایداری، سازگاری، انعطاف‌پذیری، ظرفیت برای تغییر، خودسازی، مسئولیت و امنیت مربوط می‌شود. سرزندگی شهری یعنی ظرفیت شهر برای پاسخ دادن و انطباق با شرایط (Sci, 2014: 368). حیات و زندگی فرد در میان جمع بودن است و آنچه به فضا زندگی می‌بخشد مردم و حضور فعال و پرشور و نشاط آن‌ها در فضاست (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۰). برای مفهوم سرزندگی، برابری‌های گوناگونی در غرب وجود دارد که از آنها می‌توان به *Viability*، *Vitality*، *Liveliness* و *livability* اشاره نمود که البته به جز *Vitality* لغات دیگر، بیشتر به مفهوم زیست‌پذیری و قابلیت زندگی نزدیک هستند. در لغتنامه شهرسازی کوان (۲۰۰۵: ۴۴۵)

سرزندگی و زیست‌پذیری در کنار هم آمده و اینگونه معنی شده است: *Vitality and Vitality* ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق است که سرزندگی شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش‌های مختلف است؛ در صورتی که زیست‌پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت آن برای جذب سرمایه برای بقاء، بهبود و تطابق نیازهای متغیر است (رخشانی نسب و رشیدیان، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

در ارتباط با سرزندگی شهری نظریاتی که خاص این موضوع باشد، وجود ندارد و تنها می‌توان نظریات مطرح شده را با در نظر گرفتن معیارهای خلق سرزندگی شهری، در دو قالب فکری دسته‌بندی نمود: الف) نظریات مرتبط با کیفیت محیط و ب) نظریات اجتماعی. کیفیت محیط و محیط مسکونی ارتباط مستقیمی یا عوامل قابلیت مطلوب زندگی دارد. در این رابطه، عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و زیست‌محیطی مد نظر قرار دارد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰). همان‌طور که لینچ^۱ (۱۹۸۱) سرزندگی را به مفهوم امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناسی انسان در محیط شهر تعریف نموده و آن را به عنوان یک معیار کلیدی در حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع ارتقای کیفیت زندگی بر می‌شمرد (لینچ، ۱۳۸۴). برایان گودی^۲، نظریه‌پرداز برجسته مسائل شهری نیز سرزندگی، هارمونی با بستر موجود، تنوع، مقیاس انسانی، نفوذپذیری، امکان شخصی‌سازی مکان، خوانایی، انعطاف‌پذیری، امکان تحول سنجیده را به عنوان کیفیت محیط (طراحی شهری) بر می‌شمرد (حیبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۲؛ گلکار، ۱۳۸۶: ۸). همچنین، اپلیارد و جیکوبز^۳ سرزندگی را به عنوان یکی از هفت هدف در جهت ایجاد آینده محیط شهری خوب ضروری و لازم دانسته‌اند (Larice & Macdonald, 2007: 102). براساس مطالب ارائه شده می‌توان گفت اهمیت کیفیت سرزندگی یکی از مهمترین کیفیت‌های محیط و فضای شهری بوده که نیازمند توجه ویژه مدیران و برنامه‌ریزان شهری است.

از جمله نظریه‌پردازان حیطة مسائل اجتماعی می‌توان به نظریات جیکوبز، مونتگومری، مدنی‌پور و یان گل اشاره نمود. مونتگومری^۴ (۱۹۹۸) سرزندگی را در کنار تنوع از اجزای اصلی سازنده فعالیت در یک فضای شهری برشمرده و معتقد است سرزندگی موجب تمایز مناطق موفق شهری از یکدیگر می‌شود. وی سرزندگی را حجم تردد عابر پیاده در طی طول شبانه‌روز، استفاده از خدمات، تعداد رخدادهای فرهنگی و به طور کلی احساس زنده بودن مکان وابسته می‌داند (Montgomery, 1998: 97). جیکوبز (۱۳۸۸)، سرزندگی فضاهای عمومی، محله و شهر را حاصل مجموعه‌ای از برخوردها و تماس‌های عمومی دانسته که معمولاً نیز خودبه‌خودی بوده و حس شخصیت جمعی را در ساکنان بر می‌انگیزد، وی تنوع کالبد، کاربری‌ها، کارکرد و فعالیت‌ها را شروط اصلی سرزندگی شهری بر می‌شمرد. گل^۵ شهر سرزنده را شهری دانسته که فضاهای عمومی در آن دارای عملکرد و کارایی هستند، چرا که این فضاهای بیرونی دعوت‌کننده بوده و به آسانی قابل استفاده هستند (گل، ۱۳۸۷: ۲۴). همچنین، مدنی‌پور (۱۳۸۷) عنوان کرده که ایجاد فضای عمومی به تنهایی نمی‌تواند یک اجتماع منسجم محلی سرزنده تشکیل دهد، بلکه در این میان آنچه مهم است توجه به ساکنان و تقویت روحیه جمع‌گرایی است که تأثیرگذار می‌باشد (مدنی‌پور، ۱۳۸۷).

¹ Lynch

² Brian Goody

³ Appleyard and Jacobs

⁴ Montgomery

⁵ Gehl

۱۶۵). یکی از اثرگذارترین معیارهای اجتماعی در سرزندگی محیط اجتماعی و ترغیب بیشتر در محیط شهری امنیت شهری است. جیکوبز (۱۳۸۸) در مطالعه خود بر محیط‌های مسکونی، نظارت ساکنان بر فعالیت‌ها و رفت‌وآمدها را عاملی کلیدی در تأمین امنیت شهری محلات و در نتیجه سرزندگی آن می‌داند. لازم به ذکر است، در زمینه ارتباط بین سرزندگی شهر و توسعه پایدار شهر تحقیقات کمی انجام شده است. سنجش سرزندگی شهر در چارچوب توسعه پایدار قرار می‌گیرد که عملکرد آن با عوامل دیگری همچون پایداری محیطی، رقابت اقتصادی و تاب‌آوری در ارتباط است. سرزندگی شامل رفاه انسان و کیفیت محیط کالبدی شهر است که از عملکرد سیستم‌های کالبدی شهر و فرایندهای کار و زندگی افراد در شهر مشتق شده است (Newton, 2012: 85). مفاهیم گستره از توسعه پایدار سه پایه پایداری اجتماعی، اقتصادی و محیطی را ترکیب می‌کند و همه آنها به رفاه، آینده و زندگی جامعه مربوط می‌شود. این مفهوم توسعه پایدار با عوامل تعیین‌کننده سلامت و سرزندگی همپوشانی دارد (Bijl, 2011: 159). مفهوم سرزندگی پایدار در پاسخ به ادغام مفاهیم بسیاری ظهور کرده است که در این باره مطرح شده و استدلال آن این است که محیط، سالم و سرزنده نمی‌شود، مگر اینکه در درازمدت پایدار باشد (Newman, 1999: 221).

مرادی مگری و حیدری کیا (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با هدف بررسی مدیریت شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهری در شهر اسدآباد پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد، مدیریت شهری در دستیابی به پایداری شهر اسدآباد دارای تاثیر مثبت و معناداری بوده همین‌طور همکاری‌ها و تعامل مدیران شهری در ارتقا شاخص توسعه پایداری شهرتاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، نصراللهی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای نقش مدیریت شهری را در توسعه پایدار شهری با تأکید بر جایگاه شهرداری‌ها مورد بررسی قرار داد. نتیجه مطالعه وی نشان داد که رسیدن به توسعه پایدار شهری نیازمند به کارگیری ابزارها و سلیقه‌ها و نیروهای متفاوت تشکیل دهنده سیستم شهر است. در مدیریت شهری، شهرداری اداره امور شهر و شهروندان، مشارکت در اجرای امور و قوانین، شورای اسلامی شهر، نظارت و هماهنگی بر فعالیت‌ها و بخش خصوصی و پشتیبانی و همکاری با سازمان‌های مذکور عهده‌دار است که در نتیجه این همکاری‌ها و هماهنگی‌ها منجر به توسعه و عمران شهر می‌شود. ارتقاء مشارکت شهروندی، تمرکززدایی فعالیت‌ها، ایجاد مدیریت یکپارچه شهری، افزایش اعتماد شهروندان، آگاه‌سازی و آموزش شهروندی از جمله فعالیت‌های مؤثری است که شهرداری‌ها در راستای تحقق توسعه پایدار شهری می‌توانند به کار گیرند.

بایرام زاده و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی میزان سرزندگی پیاده راه خیام ارومیه بعد از طراحی مجدد پرداختند. آن‌ها نشان دادند که میزان سرزندگی پیاده راه خیام در حد متوسط و ره با بالا بوده و میزان کیفیت محیط بعد از طراحی نیز در حد متوسط و رو به بالا بوده است. آن‌ها همچنین نشان دادند که رابطه مستقیمی بین سه عامل اختصاص دادن خیابان به پیاده راه، وجود کاربری‌های مختلف و وجود کاربری‌های تجاری وجود دارد به طوری که آن‌ها در کنار یکدیگر می‌توانند باعث افزایش سرزندگی پیاده راه فوق‌الذکر شوند. جلال‌دین و اوکتای^۱ (۲۰۱۲) مطالعه‌ای را در زمینه تجزیه و تحلیل اجتماعی - فضایی سرزندگی در خیابان‌های شهر قبرس انجام داده‌اند. در این مطالعه دو خیابان از مرکز شهر قبرس از نظر سرزندگی (شاخص‌هایی مانند نوع استفاده، گروه‌های اجتماعی استفاده‌کننده، فعالیت‌ها و

¹ Jalaladdini & Oktay

زمان وقوع فعالیت و زمان سرزنده خیابان در طول روز) با هم مقایسه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سرزندگی خیابان پالامیس بیشتر از کیرنیاست. لویز^۱ و کامانهو (۲۰۱۳) به بررسی و ارزیابی به کارگیری مدل تحلیل هم‌پوشانی داده‌ها در ارزیابی میزان سرزندگی شهری پرداخته‌اند و به ویژه به ارزیابی میزان تأثیر فضای سبز بر سرزندگی شهری و نتایج آن اشاره می‌دارد. آنها در این مطالعه شهرهای اروپایی را ملاک عمل قرار داده و نشان می‌دهند، فضای سبز در ارتقای سرزندگی شهری و کیفیت زندگی موثر بوده و همچنین کاربرد این مدل را در ارزیابی سرزندگی شهری مناسب قلمداد نموده و برای مطالعات دیگر می‌تواند روش مناسبی باشد.

سماوتی^۲ و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی نقش سرزندگی و زیست‌پذیری خیابان‌های شهری در ارتقای کیفیت پیاده محوری بلوارهای شهری پرداخته‌اند. در این مطالعه، سرزندگی خیابان بوعلی شهر همدان با توجه به چهار بعد دسترسی، علت مراجعه، رسیدگی شهرداری و تنوع استفاده کنندگان مورد بررسی قرار گرفته است. لانک و مورا^۳ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای خود شبکه‌های عابر پیاده در مرکز شهر سانتیاگو^۴ و تأثیر آنها بر زندگی شهری را مورد مطالعه قرار دادند. مرکز شهر سانتیاگو داری یک شبکه عابر پیاده بوده که شامل خیابان‌ها، مناطق عابر پیاده و گالری‌های تجاری است و در این مطالعه این ویژگی خاص در نظر و مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که بخش مهمی از سرزندگی مرکز شهر سانتیاگو به دلیل ساختار فیزیکی و بیکربندی آن (خیابان‌ها، مناطق عابر پیاده و گالری‌های تجاری) است. همچنین، این شبکه عابر پیاده خاص باعث شده که جریان‌های متفاوتی از عابری پیاده را به داخل بلوک‌های شهری واقع در مرکز شهر هدایت کند که در نتیجه آن نرخ‌ها یا اجاره‌های پایین در آن مکان‌ها و تنوع در خرده‌فروشی‌ها بوجود آمده و این عامل باعث به وجود آمدن تنوع اجتماعی در بین ارائه دهندگان خدمات و کاربران یا بازدیدکنندگان در مرکز تاریخی شهر سانتیاگو شده است.

خلیلی و نیری‌فلاح^۵ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی بر سرزندگی شهری و کیفیت زندگی در بین زنان شهر اصفهان پرداختند. در این مطالعه شاخص‌هایی مانند حضور جمعی افراد، استفاده ترکیبی وظایف، گوناگونی فعالیت‌ها و دیگر عناصر فیزیکی پشتیبان مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه که به صورت کیفی وبا استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند انجام شده است، نشان داد با افزایش شاخص‌های سرزندگی مانند امنیت عمومی در فضاهای عمومی شهر، از طریق اقدامات موثر و خاص هر شاخص، می‌توان شاهد حضور بیشتر زنان در فضاهای عمومی بود و در نتیجه می‌توان شاهد افزایش کیفیت زندگی شهروندان و به‌ویژه زنان بود. زنگ^۶ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی صریح فضایی سرزندگی شهری در دو شهر شیکاگو و ووهان پرداختند در این مطالعه برای بررسی سرزندگی شهری از چهار شاخص تراکم، زیست‌پذیری، دسترسی و تنوع

¹ Lopes

² Samvati

³ Lunecke & Mora

⁴ Santiago

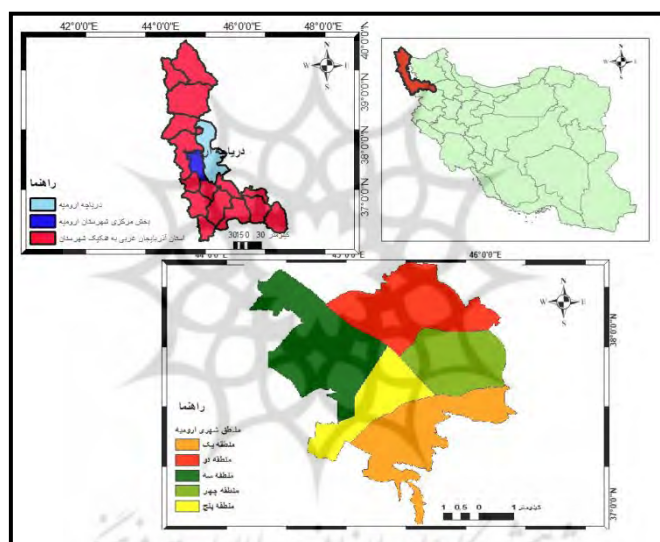
⁵ Khalilin & NayyeriFallah

⁶ Zeng

استفاده شده است. لازم به توضیح است در این مطالعه از مدل TOPSIS استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد، شیکاگو^۱ در زمینه شاخص‌های قابلیت دسترسی و تنوع برتری دارد، در حالی که در زمینه شاخص‌های تراکم و زیست‌پذیری شهر ووهان در وضعیت بهتری قرار دارد.

معرفی منطقه

شهر ارومیه، مرکز شهرستان ارومیه و مرکز استان آذربایجان غربی بوده که در فاصله ۱۸ کیلومتری از دریاچه ارومیه در مختصات جغرافیایی ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۷ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی از مبدا خط استوا در جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر قرار دارد. لازم به توضیح است شهر ارومیه براساس تقسیمات اداری شهرداری، شامل ۵ منطقه شهری می‌باشد. در سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر بالغ بر ۱۰۴۰۵۶۵ نفر بود. شهر ارومیه با مساحتی حدود ۶۰ کیلومتر مربع و مساحتی حدود ۱۰۲۵۶ کیلومتر مربع، موقعیت جغرافیایی مناسب دارد و تقریباً در میانه استان قرار دارد.



شکل ۱. موقعیت شهر ارومیه نسبت به استان آذربایجان غربی و کشور ایران

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات کمی، با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، جزء تحقیقات توصیفی - همبستگی می‌باشد که از بین روش‌های همبستگی، از روش تحلیل کوواریانس - واریانس بهره برده است. جامعه آماری مطالعه حاضر را کارشناسان و مدیران شهری در شهر ارومیه تشکیل می‌دهند. کارشناسان در این مطالعه، شامل افرادی بوده که در ادارات و سازمان‌های مرتبط با امور شهری (شهرداری، استانداری، فرمانداری، مسکن و شهرسازی و ...) بوده و دارای پست سازمانی کارشناسی می‌باشند. همچنین، اساتید دانشگاه که در زمینه مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی مشغول به فعالیت‌اند و دارای مطالعات مختلفی می‌باشند، جزء جامعه آماری قرار داده شدند. با توجه به قانون حداقل حجم نمونه در تحقیقات همبستگی و پیمایشی (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۵)، جهت انتخاب حجم نمونه در بین کارشناسان و مدیران مورد نظر، ۱۰۰

¹ Chicago

نفر از بین افراد مورد نظر به صورت نمونه‌گیری کاملاً تصادفی انتخاب و ابزار تحقیق در اختیار آنها قرار داده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه‌ای بود که از چهار بخش الف) مشخصه‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و پرسش‌های مرتبط با سنجش ب) مؤلفه‌های مربوط به سرزندگی شهری ج) مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری و د) مؤلفه‌های مربوط به عملکرد مدیریت شهری تشکیل شده بود (جدول ۱). ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای محقق ساخته که برگرفته از ادبیات تحقیق بوده که برای طراحی بخش مربوط به مؤلفه‌های سرزندگی شهری از مطالعات لطیفی و همکاران (۱۳۹۳)، (Jalaladdini & Oktay (2011)، صدیقتی و فارسی (۱۳۹۵)، بخش توسعه پایدار شهری از مطالعات کاظمیان و همکاران (۱۳۹۰)، (Rafieian (2008)، صدیقتی و فارسی (۱۳۹۵) و در نهایت بخش عملکرد مدیریت شهری از مطالعه عنابستانی و عنابستانی (۱۳۹۱)، خلیل‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) بهره جسته شده است. روایی ابزار تحقیق با نظرخواهی از کارشناسان و اساتید دانشگاه (روایی صوری) و همچنین، به صورت همگرا مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته است. برای سنجش پایایی از ضرایب پایایی ترکیبی (بزرگتر از ۰/۷) و آلفای کرونباخ (بزرگتر از ۰/۷) استفاده می‌شود که در صورت مناسب بودن این ضرایب می‌توان گفت، ابزار پژوهش پایاست. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، وضعیت پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ متغیرهای مورد بررسی در سطح مناسبی بوده و نشان‌دهنده پایایی ابزار مورد تحقیق است. در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل همبستگی، رگرسیون و مدل معادلات ساختاری) استفاده شده است. لازم به توضیح است، یکی از روش‌های آماری مورد استفاده در زمینه مدل‌سازی معادلات ساختاری، روش حداقل مربعات جزئی است. نرم‌افزارهایی که از مدل-سازی معادلات ساختاری بر پایه این روش آماری استفاده می‌کنند، نسبت به وجود شرایطی مانند هم‌خطی متغیرهای مستقل، نرمال نبودن داده‌ها و کوچک بودن نمونه سازگار هستند (Haenlein & Kaplan, 2004: 285). در این راستا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای مرتبط نظیر SPSS و Smart PLS استفاده شده است.

جدول ۱. پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و میانگین واریانس شاخص‌ها و مفاهیم مورد استفاده در این تحقیق

مفاهیم	گویه‌ها	پایایی ترکیبی (Alpha>0.7)	آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	میانگین واریانس (AVE>0.5)
سرزندگی شهری	امنیت شهری	۰/۷۱۶	۰/۷۵۹	۰/۵۲۹
	کیفیت محیطی			
	پویایی اجتماعی			
	دسترسی به خدمات محلی			
عامل اقتصادی	اشتغال	۰/۷۱	۰/۷۷	۰/۵۵
	ارزش زمین			
	نظام فعالیت			
عامل زیست-محیطی	آلودگی‌های هوا، صوتی و بصری	۰/۷۶۲	۰/۷۶۳	۰/۵۶۸
	نظافت و پسماند			
	فضای سبز			
	تراکم و ظرفیت قابل تحمل محله			

عامل کالبدی	پویایی و سازگاری	۰/۷۵۱	۰/۷۴۴	۰/۵۱۷
	تنوع			
	دسترسی			
	خوانایی			
عامل اجتماعی - فرهنگی	هویت	۰/۷۶۶	۰/۷۰۳	۰/۵۲
	امنیت و ایمنی			
	تعلق خاطر مکانی			
	ارتباطات			
عملکرد مدیریت شهری	تأسیسات و تجهیزات شهری	۰/۷۰۲	۰/۷	۰/۶۳
	شبکه معابر			
	خدمات شهری			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

نتایج و بحث

نتایج توصیفی

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین سنی افراد مورد مطالعه (۶۲ درصد مرد و ۳۸ درصد زن) برابر با ۳۶/۳ سال بوده و اکثریت آنها در رده سنی ۳۵ تا ۴۰ سال قرار دارند. علاوه بر این‌ها، کمترین و بیشترین سن مربوط به پاسخگویان، ۲۸ و ۵۵ سال بود. نتایج بررسی وضعیت تحصیلات افراد مورد مطالعه نشان داد، سطح تحصیلات اکثریت پاسخگویان (۴۲ درصد) در حد فوق‌لیسانس است. همچنین، ۳۳ درصد لیسانس و ۲۵ درصد از کارشناسان مورد مطالعه دارای مدرک دکتری بودند. ۸۲ درصد از نمونه مورد مطالعه در ادارات و سازمان‌های مرتبط به شهر (شهرداری، مسکن و شهرسازی و ...) مشغول به خدمت بوده و سایر نمونه مورد مطالعه هیت علمی دانشگاه بودند که در زمینه هدف اصلی مطالعه حاضر (مدیریت شهری) فعالیت علمی داشته‌اند.

مدل‌یابی معادلات ساختاری

در این مطالعه جهت بررسی اطمینان از طبقه‌بندی صحیح متغیرهای تحقیق (آیا متغیرهای و شاخص‌های مورد نظر مناسب برای انجام مدل ساختاری بوده‌اند یا نه؟)، قبل از بررسی بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل معادلات ساختاری به بررسی اعتماد و اعتبار مدل پرداخته شده که نتایج در ادامه نشان داده شده است. برای برآورد اعتبار تشخیصی (واگرا) مدل از روش ماتریس فورنل و لارکر استفاده شد. طبق این معیار جذر شاخص AVE، یک متغیر پنهان باید بیشتر از همبستگی آن متغیر پنهان با متغیرهای پنهان دیگر باشد این امر نشانگر آن است که همبستگی آن متغیر پنهان با مشاهده‌پذیرهای خود بیشتر از همبستگی‌اش با دیگر متغیرهای مورد مطالعه است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، براساس نتایج ماتریس فورنل و لارکر، مقادیر جذر AVE، برای تمامی متغیرهای پنهان (ابعاد) که در در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار دارند، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه‌های زیرین قطر اصلی قرار گرفته‌اند، بیشتر است؛ بنابراین می‌توان اذعان نمود که متغیرهای مکنون در مدل حاضر، تعامل بیشتری با مشاهده‌پذیرهای خود دارند تا با سازه‌های دیگر، به عبارتی اعتبار واگرای مدل در حد مناسبی بوده و مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۲. روایی افتراقی متغیرهای مورد مطالعه براساس نتایج ماتریس فورنل و لارکر

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
سرزندگی شهری	۰/۶۸۹					
عامل اجتماعی	۰/۳۴۵	۰/۷۶۹				
عامل اقتصادی	۰/۴۰۱	۰/۳۱۳	۰/۷۹۴			
عامل زیست محیطی	۰/۳۰۹	۰/۰۹۲	۰/۳۵۴	۰/۷۶۳		
عامل کالبدی	۰/۳۵۲	۰/۲۲۴	۰/۵۰۷	۰/۲۸۹	۰/۷۶۵	
عملکرد مدیریت شهری	۰/۳۴۷	۰/۲۱۳	۰/۴۳۱	۰/۳۴۴	۰/۴۲۳	۰/۷۹۱

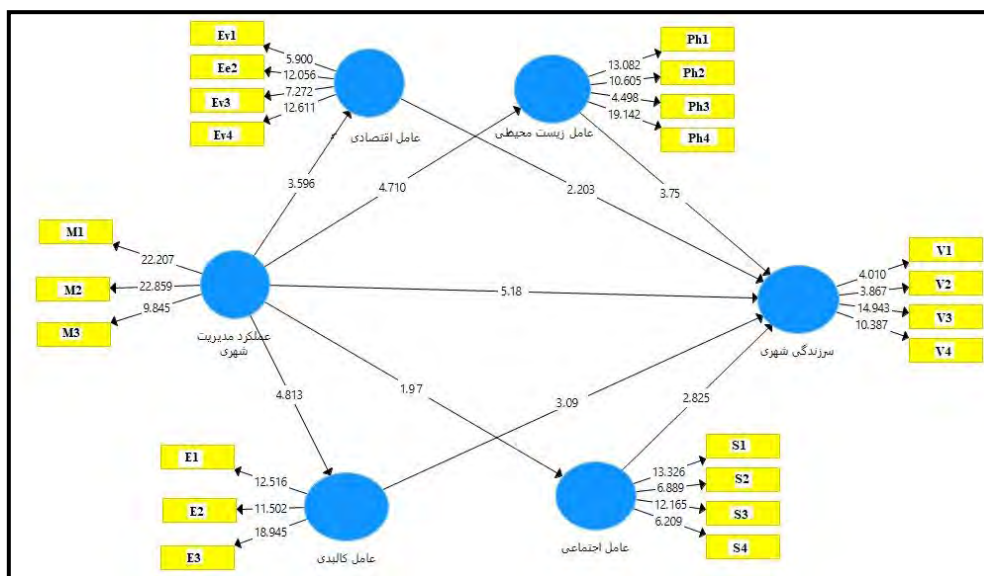
مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

بخش ساختاری مدل

ارتباط متغیرهای پنهان با یکدیگر در بخش ساختاری بررسی می‌شود. در این زمینه بار عاملی بین متغیرها نشان-دهنده‌ی میزان ارتباط و بیشتر بودن عدد معناداری دلیل وجود ارتباط معنادار بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. معمولاً از چندین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش استفاده می‌شود، ابتدایی‌ترین معیار سنجش رابطه‌ی بین سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری)، اعداد معناداری t است. در صورتی که مقدار این معیار از $1/96$ بیشتر باشند، نشان از صحت رابطه‌ی بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ است. همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، ضریب t بدست آمده برای تمامی روابط مورد نظر این مطالعه بزرگتر از $1/96$ بوده و این امر نشان‌دهنده معنی‌داری آن روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. جدول ۳ نتایج کلی بخش ساختاری مدل را نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول ۳ مشاهده می‌شود، ارتباط بین متغیرهای تأثیرگذار بر سازگاری شهری و مولفه‌های تعیین‌کننده توسعه پایدار شهری در شهر ارومیه را نشان می‌دهد، که در ادامه مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر سرزندگی (تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر سرزندگی شهری و توسعه پایدار شهری)، تشریح شده است. براساس نتایج جدول ۳، ارتباط بین عامل زیست محیطی با سرزندگی شهری به میزان $0/319$ است که با توجه به مقدار t $3/75$ ، این ارتباط معنی‌دار است. همچنین، ارتباط بین عامل کالبدی با سرزندگی شهری به میزان $0/243$ و مقدار t $3/09$ بدست آمده که این دو عامل (مولفه‌های توسعه پایدار شهری) با توجه به تأثیر مدیریت شهری بر آنها، دارای بیشترین تأثیر را بر سرزندگی شهری در شهر ارومیه دارند. همچنین، براساس نتایج بدست آمده، مدیریت عملکرد شهری دارای بیشترین تأثیر را به ترتیب بر عوامل کالبدی (به میزان $0/431$ و مقدار t $4/81$) و زیست محیطی (به میزان $0/423$ و مقدار t $4/71$) دارد.

براساس نتایج بدست آمده، ارتباط بین متغیر عملکرد مدیریت شهری با سرزندگی شهری به میزان $0/347$ و مقدار t $3/61$ بدست آمده و بر این اساس می‌توان گفت عملکرد مدیریت شهری بر سرزندگی شهری در شهر ارومیه در سطح معنی‌داری تأثیرگذار می‌باشد. لازم به توضیح است مدل ساختاری مطالعه همراه با ضریب استاندارد بارهای عاملی و اثرات کلی سازه‌های اصلی در شکل ۳ قابل مشاهده است. براساس نتایج جدول ۴ و شکل ۳ می‌توان گفت در مجموع عوامل توسعه پایدار شهری و عملکرد مدیریت شهری، حدود ۴۲ درصد واریانس متغیر وابسته سرزندگی شهری شهر ارومیه را تبیین می‌کنند.



شکل ۲. مدل ساختاری تحقیق همراه با مقادیر t-values و سطح معنی داری سازه‌های اصلی

جدول ۳. نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معنی داری مدل ساختاری مورد تحقیق

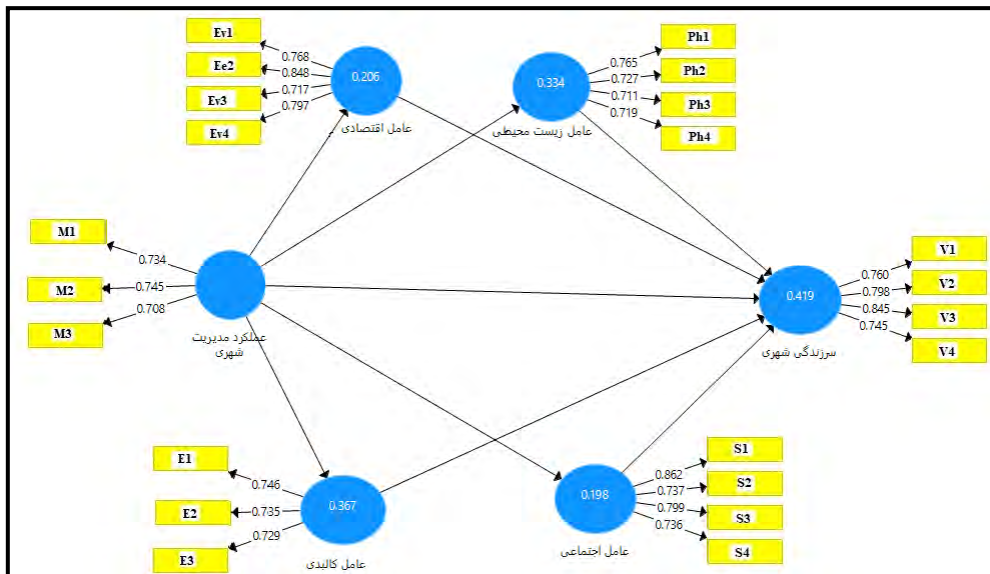
مسیر	ضریب مسیر	خطای استاندارد	t	سطح معنی داری
عامل اجتماعی -> سرزندگی شهری	۰/۲۲۶	۰/۰۸۴	۲/۸۲	۰/۰۰۷
عامل کالبدی -> سرزندگی شهری	۰/۲۴۳	۰/۰۶۲	۳/۰۹	۰/۰۰۰
عامل اقتصادی -> سرزندگی شهری	۰/۲۰۴	۰/۰۸۲	۲/۲۰۳	۰/۰۰۳
عامل زیست محیطی -> سرزندگی شهری	۰/۳۱۹	۰/۰۸۵	۳/۷۵	۰/۰۰۰
عملکرد مدیریت شهری -> سرزندگی شهری	۰/۳۴۷	۰/۰۶۵	۳/۶۱	۰/۰۰۰
عملکرد مدیریت شهری -> عامل اجتماعی	۰/۲۱۳	۰/۱۱۱	۱/۹۷	۰/۰۰۹
عملکرد مدیریت شهری -> عامل کالبدی	۰/۴۳۱	۰/۰۸۹	۴/۸۱	۰/۰۰۰
عملکرد مدیریت شهری -> عامل اقتصادی	۰/۳۴۴	۰/۰۹۶	۳/۵۹۲	۰/۰۰۰
عملکرد مدیریت شهری -> عامل زیست محیطی	۰/۴۲۳	۰/۰۹	۴/۷۱	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۴. وضعیت ضرایب تبیین و اثرات کل متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	R ²	مقادیر اشتراکی	اثر کل
سرزندگی شهری	۰/۴۱۹	۰/۳۸۱	عملکرد مدیریت شهری
عامل اجتماعی	۰/۱۹۸	۰/۳۲۶	سرزندگی شهری
عامل کالبدی	۰/۳۶۷	۰/۲۷۷	سرزندگی شهری
عامل اقتصادی	۰/۲۰۶	۰/۳۱۸	سرزندگی شهری
عامل زیست محیطی	۰/۳۳۴	۰/۳۲۵	سرزندگی شهری
عملکرد مدیریت شهری	-	۰/۲۶۵	سرزندگی شهری

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸



شکل ۳. مدل ساختاری مطالعه همراه با ضریب استاندارد بارهای عاملی و ضرایب تبیین سازه‌های اصلی

برازش کلی مدل ساختاری

برای تأیید کیفیت مدل تحقیق تعیین برازش مدل کلی پژوهش ضروری است، به عبارتی برای محاسبه شاخص تناسب در مدل پی ال اس می‌توان از روش GOF که در ادامه نشان داده شده است (رابطه ۱)، استفاده نمود. این شاخص (GOF)، مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و متوسط ضرایب تعیین است. مقادیر ۰/۳۶، ۰/۲۵ و ۰/۰۱ به ترتیب قوی، متوسط و ضعیف برای مدل مورد نظر توصیف شده‌اند. رابطه (۱)

$$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times \bar{R}^2}$$

$$GOF = \sqrt{0.304 \times 0.315} = 0.31$$

براساس نتایج بدست آمده، متوسط مقادیر اشتراکی و ضرایب تعیین به ترتیب ۰/۳۱۵ و ۰/۳۰۴ است. همچنین، مقدار به دست آمده برای تعیین برازش مدل کلی ۰/۳۱ بوده که این مقدار بیشتر از مقدار ۰/۲۵ و نزدیک به ۰/۳۶ بوده و در نتیجه برازش قابل قبولی برای مدل پژوهش بدست آمده و این برازش مورد تأیید می‌باشد.

برای تأیید کیفیت مدل تحقیق تعیین برازش بخش‌های مختلف مدل از جمله بخش ساختاری پژوهش ضروری است. یکی از معیارهای بررسی برازش بخش ساختاری مدل، معیار سنگی گایسر Q^2 است. این معیار قدرت پیش‌بینی مدل ساختاری را مشخص می‌نماید. هنسلر^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین کرده‌اند (ضعیف، متوسط و قوی). براساس نتایج بدست آمده مقدار معیار قدرت پیش‌بینی سازه درون‌زای سرزندگی شهری برای شهر ارومیه برابر ۰/۲۹۸ بوده و این نتیجه نشان از قدرت پیش‌بینی مناسب و بالایی مدل در خصوص این سازه دارد و می‌توان گفت برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش بار دیگر تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

¹ Henseler

فرآیندی که در آن تلاش‌های افراد (در غالب فردی و گروهی) به منظور رسیدن به هدف یا اهداف مشترک هماهنگ می‌شود، مدیریت می‌نامند. به صورت کلی می‌توان گفت مدیریت دارای دو ویژگی (دعائی، ۱۳۸۵) می‌باشد که عبارتند از: افزایش کارائی فعالیت‌های جمعی یا گروهی و باعث تحقق عقلانیت. بدین ترتیب در اداره‌ی مطلوب امور کلیه جوامع، مدیریت نقش مهم و سازنده‌ای ایفا می‌کند، همانگونه که جامعه بدون مدیر گرفتار سرگردانی و پریشانی خواهد شد، مدیران فاقد ابزارهای لازم برای اداره امور نیز قادر نخواهند بود، تا قلمرو زیر فرمان خود را به گونه‌ای مطلوب اداره کنند.

ماهیت مدیریت در شهر مستلزم دارا بودن اطلاعات جامعی در زمینه‌های برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل است. بدیهی است رشد و توسعه متوازن نقاط شهری در گرو مطالعه و شناخت شهر، تحلیل واقعی از میزان نیازها و توانمندی‌ها است، به همین منظور (صمیمی، ۱۳۹۵) دانش مدیریت شهری امروزه با هدف توسعه پایدار در شهرها بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین مدیریت شهری می‌تواند با اقدامات و برنامه‌های موثر در فضای شهری باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و در نهایت توسعه پایدار شود. از طرفی دیگر، با توجه به اینکه سرزندگی را می‌توان معادل نشاط و شادی دانسته و یا از آن به عنوان زنده بودن و القای حس زندگی یا قابل زندگی بودن محیط شهر قلمداد و یاد نمود. بنابراین، می‌توان گفت سرزندگی می‌تواند در دل توسعه پایدار شهر نهفته باشد و یا حتی از اهداف اصلی توسعه پایدار شهری، سرزندگی شهروندان باشد. بنابراین، براساس موارد گفته شده می‌توان گفت هدف اصلی این مطالعه ارزیابی عملکرد مدیریت شهری بر پایداری و سرزندگی در مناطق شهری ارومیه خواهد بود.

در مدل ساختاری این مطالعه، عملکرد مدیریت شهری شهر ارومیه دارای آثار مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان بر مولفه‌های توسعه پایدار شهری از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی و سرزندگی شهری در شهر ارومیه دارد که نتیجه بدست آمده با نتایج مطالعه‌ی مرادی مکرری و حیدری کیا (۱۳۹۷) و نصراللهی (۱۳۹۷) مطابقت دارد. همچنین، نتایج نشان داد، عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی و عملکرد مدیریت شهری ۴۱/۹ درصد واریانس متغیر وابسته سرزندگی شهری شهر ارومیه را تبیین می‌کنند. از طرفی عوامل اجتماعی و کالبدی به ترتیب کمترین (۱۹/۸ درصد) و بیشترین (۳۶/۷ درصد) میزان تبیین توسط متغیر عملکرد مدیریت شهری را در بین مولفه‌های توسعه پایدار شهری به خود اختصاص داده‌اند. لازم به توضیح است، از نظر کارشناسان مورد مطالعه عملکرد مدیریت شهری شهر ارومیه بیشترین تأثیر را با ضریب تأثیر ۰/۳۴۷ بر سرزندگی شهری و در بین مولفه‌های توسعه پایدار شهری بر عامل کالبدی با ضریب تأثیر ۰/۴۳۱ و سپس بر عامل زیست محیطی با ضریب تأثیر ۰/۴۲۳ دارد. همچنین، نتایج نشان داد عوامل زیست محیطی با ضریب تأثیر ۰/۳۱۹ و کالبدی با ضریب تأثیر ۰/۲۴۳ بیشترین تأثیرگذاری را بر سرزندگی شهری در شهر ارومیه دارند. نتیجه بدست آمده با نتایج خلیلی و نیری‌فلاح (۲۰۱۸)، لانک و مورا (۲۰۱۷) و نصراللهی (۱۳۹۷) مطابقت دارد.

عملکرد مدیریت شهری به میزان ۰/۴۳۱ مقدار t برابر با ۴/۸۱ دارای بالاترین اثرگذاری بر عامل کالبدی توسعه پایدار شهری نسبت به سایر عوامل توسعه پایدار شهری دارند. با توجه به مولفه‌های در نظر گرفته شده برای عامل کالبدی در این مطالعه از جمله پویایی، خوانایی، تنوع و دسترسی می‌توان اشاره نمود مدیریت شهری با برنامه‌ریزی

و فعالیت مناسب خود در زمینه تأسیسات و تجهیزات شهری شبکه معابر و اصلاح به موقع آنها باعث افزایش رفت-وآمدها و ارتباطات اجتماعی شده و به عبارتی فعالیت‌های اجتماعی افزایش یافته و پویایی جامعه افزایش خواهد یافت، همچنین با عملکرد مناسب مدیریت شهری در زمینه خدمات مختلف شهری از جمله حمل و نقل می‌توان شاهد دسترسی راحت‌تر و سریع‌تر شهروندان به اهداف مورد نظرشان بود.

منابع

۱. اتقائی، حمید و پيله‌ور، علی اصغر (۱۳۹۵). تدوین الگوی تحقق مدیریت یکپارچه مادرشهرها، نمونه موردی: مشهد. معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۷، صص ۲۸۵-۳۰۱.
۲. بایرام زاده، نیم، امیدوار فر، سجاده، موسوی، میر ابراهیم و دشتی، فرناز (۱۳۹۷). بررسی میزان سرزندگی پیاده‌راه شهری بعد از طراحی مجدد (نمونه موردی پیاده راه خیام در ارومیه). معماری‌شناسی، سال اول، شماره ۵، صص ۹-۱.
۳. بدیعی، لیللا، عزت‌پناه و سلطانی، علیرضا (۱۳۹۸). تبیین و تحلیل توسعه پایدار شهری با تأکید بر مؤلفه‌های محیطی (مطالعه موردی: شهر سنندج). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۰، شماره ۳۶، صص ۷۵-۸۶.
۴. پرهیزگار، علی اکبر و فیروزبخت، علی (۱۳۹۰). چشم‌انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۶۶-۴۳.
۵. پوراحمد، احمد، زنگنه شهرکی، سعید و صفایی رینه، مصطفی (۱۳۹۵). تحلیل نقش پیاده راه های شهری در ارتقای سرزندگی فضاهای شهری (مطالعه موردی: پیاده راه ۱۷ شهریور، تهران). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره چهارم، شماره دوم، ۱۹۵-۱۷۵.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران، انتشارات سمت.
۷. خستو، مریم؛ سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹). عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده. نشریه هویت شهر. دوره ۴. شماره ۶. صص ۷۴-۶.
۸. خلیل‌آبادی، حسن، شاهمرادی قهه، سوادبه و خانی‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۷). تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان (نمونه موردی: شهر جدید بهارستان). فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۵۴، ۱۰۹-۹۳.
۹. دعائی، حبیب‌اله (۱۳۸۵). مدیریت توسعه. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
۱۰. دویران، اسماعیل، کاظمیان، غلامرضا، مشکینی، ابوالفضل، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا کلهرنیا، بیژن (۱۳۹۱). مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهرهای میانی ایران؛ مورد پژوهی: زنجان و همدان. مدیریت شهری، شماره ۳۰، دوره دوم، صص ۶۸-۵۳.
۱۱. رخشان‌نسب، حمیدرضا و رشیدیان، مریم (۱۳۹۶). تحلیلی بر جایگاه مبلمان ورزشی در افزایش سرزندگی فضاهای شهری مطالعه موردی: شهر نورآباد ممسنی. جغرافیا و توسعه، شماره ۴۶، صص ۱۱۶-۱۱۰.
۱۲. سعید رضوانی، نوید، مجید، عبدالمهی، ایازی، سیدمحمدهادی، نودرپور، علی، ایمانی جاجرمی، حسین، کاظمیان، غلامرضا، صالحی، اسماعیل (۱۳۹۲). مدیریت شهری؛ بررسی تطبیقی نظام مدیریت شهری در کشورهای نمونه. جلد سوم، انتشارات تیس، چاپ اول.
۱۳. سعیدنیا، احمد (۱۳۸۲). مدیریت شهری. انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران: جلد یازدهم.

۱۴. شمس‌الدینی، علی، سنایی‌مقدم، سروش، بلاغی، سول و رضایی، میثم (۱۳۹۶). سنجش میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری و ارزیابی عوامل فردی، اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر دهدشت). دوره هشتم، شماره ۳۰، صص ۲۰۴-۱۸۵.
۱۵. صداقتی، عاطفه و فارسی، جواد (۱۳۹۵). طیف‌سنجی سرزندگی در بافت‌ها و محلات شهری با تلفیق رویکردهای توسعه‌ی پایدار، رشد هوشمند و نوشهرگرایی و کاربرد مدل الکترونیک (نمونه‌ی موردی: محلات شهر مرودشت). جغرافیا و توسعه، شماره ۴۴، صص ۲۲۹-۲۵۴.
۱۶. صمیمی، محمدرضا (۱۳۸۹). نقش مدیریت در پایداری اقتصادی و اجتماعی نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر ساحلی نور. مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۹۸-۹۱.
۱۷. عزیزی، محمدمهدی (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار (نارمک). نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص ۳۵-۴۶.
۱۸. عنابستانی، علی و اکبر عنابستانی، زهرا (۱۳۹۱). تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقا کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: شهر جدید گلپه‌هار). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۳۴-۲۳.
۱۹. فروغیان، مریم (۱۳۸۸). نقد و معرفی کتاب مبانی توسعه پایدار شهری. ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۴۳-۴۰.
۲۰. کابلی فرشچی، سیدامیر (۱۳۹۲). بررسی جایگاه مرکز محله در شکل‌گیری محله‌ای پایدار با استفاده از روش AHP.
۲۱. کاظمیان، غلامرضا و میرعابدینی، سیده زهرا (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۴۶، صص ۳۸-۲۷.
۲۲. کاظمیان، غلامرضا، مشکینی، ابوالفضل و بیگلری، شادی (۱۳۹۰). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری محله‌ای ناحیه دو شهرداری منطقه ۴ تهران (محله‌های مجیدیه، شمس‌آباد و کالاد). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۸، شماره ۲۱، صص ۲۸-۷.
۲۳. گل، یان (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، ترجمه شیما شصتی، تهران، جهاد دانشگاهی.
۲۴. گلکار، کورش (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری. مجله صفا، شماره ۴۴، صص ۷۵-۶۶.
۲۵. لطفی، حیدر، عدالتخواه، فرداد، میرزایی، مینو، وزیرپور، شیبو (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان. فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۱۰-۱۰۱.
۲۶. لطفی، غلامرضا، جمعه‌پور، محمود و گریوانی، سلیمه (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی سرزندگی شهری در محلات مجیدیه جنوبی و سعادت‌آباد تهران. مدیریت شهری، شماره ۳۴، صص ۴۰-۲۷.
۲۷. لینچ، کوین (۱۳۸۴). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی. انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، چاپ اول، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۹. مرادی‌مکر، سیاوش و حیدری‌کیا، مریم (۱۳۹۷). تحلیل مدیریت شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی شهر اسدآباد. مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره یک، شماره یک، صص ۱۱۵-۹۸.
۳۰. مشکینی، ابوالفضل، برهانی، کاظم و شعبان‌زاده نیننی (۱۳۹۲). تحلیل فضایی سنجش پایداری اجتماعی شهری، مورد مطالعه: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران. فصلنامه جغرافیا، پیاپی ۳۹، صص ۲۰۵-۱۸۷.

۳۱. میکائیلی هاجه‌سو، گلناز و آذر، علی (۱۳۹۶). بررسی و ارزیابی تطبیقی سرزندگی شهری در محله‌های اختصاصی و محلات سنتی با رویکرد توسعه پایدار در جغرافیا: مطالعه مورد کلانشهر تبریز. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه-ای)، سال هفتم، شماره دوم، صص ۲۸۴-۲۶۹.

۳۲. نصراللهی، محمود (۱۳۹۷). نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار شهری با تاکید بر جایگاه شهرداری ها، دومین همایش بین المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی، همدان، دبیرخانه دایمی کنفرانس.

۳۳. نظم فر، حسین و پیروزی، کریم (۱۳۸۸). راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار شهری. همایش ملی انسان، محیط زیست و توسعه پایدار. همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، مؤسسه آموزش عالی خاوران.

34. Acioly C. (2003). The Meaning and Scope of Urban Management: an introductory note”, in Sirry, Azza ‘Urban Management Practices in Secondary Cities in Egypt: the case of Belbeis’, Elias Modern Publishing House, Cairo, Egypt.
35. Bijl, R. (2011). Never waste a good crisis: towards social sustainable development. *Social Indicators Research*, 102: 157-168.
36. Cowan, R. (2005) The dictionary of urbanism, streetwise press.
37. Dijk, V., & Pieter, M. (2006). Managing Cities in Developing Countries: the Theory and Practice of Urban Management. Edward Elgar Publishing.
38. Haenlein M, Kaplan AM, (2004). A Beginner’s Guide to Partial Least Squares Analysis. *Understanding Statistics*, 3(4), 283-297.
39. Houghton, G. and Hunter, C. (1994). Sustainable Cities. J. Kingsley Publishers, University of Michigan.
40. Jalaladdini, S. and Oktay, D. (2011). Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 664-674.
41. Khalili, A., NayyeriFallah, S., (2018). Role of social indicators on vitality parameter to enhance the quality of women's communal life within an urban public space (case: Isfahan's traditional bazaar, Iran). *Frontiers of Architectural Research*, 7(3): 440-454.
42. Larice, M. and Macdonald, E, (2007). The Urban Design Reader (Routledge Urban Reader Series).
43. Lopes, M.N and Camanho, A.S (2013). Public Green Space Use and Consequences on Urban Vitality: An Assessment of European Cities. *Socila Indicators Research*, 113(3): 751-767.
44. Lunecke, M. G. H., Mora, R. (2017). The layered city: pedestrian networks in downtown Santiago and their impact on urban vitality. *Journal of Urban Design*, 1-18.
45. Montgomery, J. (1998). Making a city: urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design*, 3 (1): 93-116.
46. Newman, P.W.G. (1999). Sustainability and cities: Extending the metabolism model. *Landscape and Urban Planning*, 44 (February): 219-226.
47. Newton, P.W. (2012). Liveable and Sustainable? Socio-Technical Challenges for Twenty-First-Century Cities. *Journal of Urban Technology*, 19(1): 81-102.
48. Rafieian, H, (2008). People's Perception of the Participatory Process of Development in Jolfa Mahalla. *Humanities*, Vol 15-1.
49. Samvati, S; Nikookhooy, M and Izadi, M, (2013). The Role of Vitality and Viability of Urban Streets in Enhancement the Quality of Pedestrian Oriented Urban Venues. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, Vol. 3, 554-561.
50. Sci, I.J. (2014). Factors affecting the vitality of streets in Downtown Johor Bahru City. *Indian Journal of Scientific Research*, 7(1): 361-374.
51. Willis, M, (2006) sustainability: The I ssue of our Age, And a Concern for Local Government, public Management, No 88, pp 8-12
52. Xing, Y., Horner, R. M. W., El-Haram, M. A., & Bebbington, J. (2009). A Framework Model for Assessing Sustainability Impacts of Urban Development. *Accounting Forum*, 33 (3): 209-224.

53. Zeng, C., Song, Y., He, Q., & Shen, F., (2018). Spatially explicit assessment on urban vitality: Case studies in Chicago and Wuhan. *Sustainable Cities and Society*, 4: 296-306.

